عکس: مهدی حسنی، شرق

گفت‌وگو با عبداله ناصری

دستور کار اصلاح‌طلبان، خیزش آرای خاکستری بود

انتخابات ۲۹ اردیبهشت با همه فراز و فرودهای آن برگزار شد. انتخاباتی که در آن، مردم با آگاهی نسبت به لزوم حمایت از روحانی و دستاوردهای دولتش، به میدان آمدند و نتیجه آن را رقم زدند. عبداله ناصری، عضو شورای مشورتی اصلاح طلبان، در گفت‌وگو با «شرق» به تحلیل انتخابات پرداخت.

پیش‌بینی می‌کردید نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و شوراهای پنجم این‌گونه شود؟

آنچه در نظرسنجی‌ها آمده بود، مشارکت حداکثری مردم را نشان می‌داد و با اینکه مردم ایران پیش‌بینی‌ناپذیر هستند و نمی‌توان اعتماد صددرصدی به این نظرسنجی‌ها داشت؛ اما نشان داد که این نظرسنجی‌ها درست بوده و از ساعت‌های اولیه صبح جمعه ۲۹ اردیبهشت شاهد صف‌های طولانی رأی‌دهندگان بودیم. علاوه‌براین انتظار می‌رفت نتیجه‌ای که در این نظرسنجی‌ها مربوط به گرایش افراد بود، هم با واقعیت منطبق باشد و نامزدی که در نظرسنجی‌ها بیشترین رأی را آورده بود، منتخب مردم شود که این‌گونه شد؛ همچنین مشارکت قریب به ۷۰ درصد و شاید هم بیشتر از آن را برای این دوره پیش‌بینی می‌کردیم که تحقق یافت. جریان اصلاحات همانند چهار سال قبل حمایت از حسن روحانی را در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم در دستور کار قرار داد و بر عهد خود نیز پایدار ماند. برخلاف اصولگرایان که در روزهای داغ انتخاباتی هر روز خبر تازه‌ای از شکل و شمایل ائتلاف‌شان به گوش می‌رسید و گزینه‌های متعددی از این جریان سیاسی راهی وزارت کشور شدند تا در انتخابات ثبت‌نام کنند؛ به‌هرحال خیزش آرای خاکستری مهم‌ترین کارویژه‌ای بود که اصلاح‌طلبان در حمایت از گزینه انتخاباتی خود پیگیری کردند و اینها باعث شد روحانی بار دیگر رئیس‌جمهور ایران شود. مردم واقعا با همه وجود به میدان آمدند تا از دستاوردهای خودشان صیانت کنند.

اصلاح‌طلبان برای بسیج پایگاه رأی روحانی چه کارهایی انجام دادند؟

مهم‌ترین مسئله اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری به جنبش درآوردن جامعه رأی‌دهنده بود. در سؤال بالا گفتم رأی خاکستری تا روزهای پایانی، تصمیم خود را مبنی بر شرکت‌کردن یا شرکت‌نکردن در انتخابات نگرفته بود. براساس تبلیغات سوء مخالفان بخشی از رأی‌دهندگان دچار ناامیدی از ایجاد هرگونه تغییر در وضعیت معیشتی خود شده بودند. تندروها مدام تبلیغ می‌کنند که دولت در حوزه اقتصادی ناکارآمد بوده است؛ درحالی‌که دولت دستاوردهای خوبی در این حوزه‌ها داشته است. دولت آقای روحانی با وجود دستاوردهای مثبت در حوزه‌های مختلف مانند دولت آقای خاتمی با رسانه ملی‌ای مواجه بود که نقش اپوزیسیون را در برابر دولت مستقر ایفا می‌کرده است. رسانه ملی واقعیت‌های عملکرد دولت آقای روحانی را بیان نکرده است و در این انتخابات هم مانند قبل عمل کرد. برخلاف اینکه در دوران دولت پیشین رسانه ملی تنها نقاط مثبت را عنوان می‌کرد و حتی به مردم گزارش مثبت از عملکرد دولت می‌داد. برجام رخدادی سرنوشت‌ساز و تاریخی در کشور بود و اثر مثبت خود را بر ذهن مردم گذاشته است. دستور کار اصلاح‌طلبان در یک ماه تبلیغات انتخابات، به خیزش درآوردن جامعه رأی خاکستری بود و از همه ظرفیت‌های خود برای گفت‌وگو با مردم استفاده کردند.

خود دکتر روحانی تا چه حد در این حوزه نقش داشت؟

تأکید ما پیش از انتخابات این بود که با وجود کارهای بسیاری که در این دولت انجام شده؛ اما اطلاع‌رسانی مناسب صورت نگرفته است. پس باید در کارزار انتخاباتی و تبلیغاتی و زمان تبلیغات رسمی کاندیداها آقای روحانی بتواند به‌خوبی با مردم ارتباط برقرار کند و ساعاتی که تلویزیون را در اختیار دارد، دستاوردهایش را به مردم معرفی کند و جاهایی هم که کوتاهی داشته است، باید به مردم تعهد دهد که در دولت دوم پیگیری می‌کند. به ویژه در مناظره سوم، این اتفاق رخ داد و البته دکتر روحانی در سفرهای انتخاباتی زیادی هم که داشت، رودررو مسائل را با مردم در میان گذاشت. او گفت که دولتش وارث دولت هشت‌ساله احمدی‌نژاد بوده است که جز ویرانی چیزی بر جای نگذاشته است. رساندن کشور به یک نقطه تعادل کار بسیار سختی بوده است. با وجود همه اینها دولت در بسیاری از حوزه‌ها مانند صنعت نفت، کشاورزی و زیست‌محیطی کارهای مثبتی انجام داده است. دولت افزایش دستمزدها را ضمن کاهش تورم پیگیری کرد و حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و بازنشستگان را افزایش داد. افزایش حقوق کارکنان آموزش و پرورش در کمتر دولتی پیگیری شد. البته معلمان و کادر آموزش و پرورش هنوز معوقاتی دارند؛ اما دولت ویرانه‌ای را تحویل گرفته و سیاست‌های کارشناسانه و معقولانه‌ای را برای حرکت کشور به سمت توسعه در پیش گرفته است. آقای روحانی در کارزار انتخاباتی صریح صحبت کرد. تیم رسانه‌ای دولت در چهار سال گذشته دچار ناهماهنگی و ضعف بود و دستاوردهای دولتمردان به خوبی بیان نشده است. در زمان تبلیغات انتخاباتی آقای روحانی صحبت صریح با مردم را به‌عنوان یک راهبرد اصلی پیگیری کرد. اصولگرایان معتدل و عاقل اعم از افرادی که درون حاکمیت یا بیرون آن هستند، کنار آقای روحانی هستند. حتی بخش درخورتوجهی از اصولگرایان که امروز در مقابل روحانی قرار گرفته‌اند، می‌دانستند که آقای روحانی رئیس‌جمهور دوره دوم نیز خواهد بود؛ اما تلاش می‌کردند با توسل به حملات سبد رأی روحانی را کاهش دهند. آقای روحانی تلاش کرد اجازه ندهد کاندیداهای رقیب وارد فضاسازی دروغین علیه دولت شوند. او به‌ویژه در هفته‌های پایانی تهاجمی و نه انفعالی در برابر رقبای اصولگرای خود ایستاد. نامزدهایی از جمنا و... یا فردی مانند آقای قالیباف یا آقای رئیسی که در مقابل روحانی قرار گرفتند، می‌دانستند آقای روحانی پیروز انتخابات خواهد بود. حتی آقای قالیباف نیز این مسئله را می‌دانست و حضور کوتاه‌مدتش در رقابت‌های انتخاباتی به این دلیل بود که فضای عملکردی خود در شهرداری را تحت‌الشعاع قرار دهد و مسائلی را که به دلیل حادثه ساختمان پلاسکو علیه او پیش آمد، در اذهان عمومی جامعه ترمیم کند. آقای قالیباف در مناظرات انتخاباتی سال ۹۲ متحمل ضربه فنی سنگینی از سوی آقای روحانی شد. در این دوره با اینکه می‌دانست رئیس‌جمهور نمی‌شود، می‌خواست انتقام آن شکست را بگیرد. دولت یازدهم برای بخش‌های مهمی از جامعه دستاوردهای مطلوب و مهمی نیز داشته است اما اصولگرایان تلاش می‌کردند سبد رأی آقای روحانی را کاهش دهند. رقبای روحانی هدف دیگری نیز داشته و دارند. انتخابات فرصتی برای هر جریان سیاسی‌ای است که حرف بزند و خودی نشان دهد. با وجود شکستی که اصولگرایان در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری خوردند، فرصتی پیدا کردند تا افکار مخاطبان را نسبت به جریان سیاسی متبوع خود بازسازی کنند. بخشی از این مخاطبان از جبهه اصولگرایان رادیکال ریزش کرده‌اند. آنها تلاش می‌کنند این بخش را برای انتخابات مجلس یازدهم و ۱۴۰۰ ریاست‌جمهوری بازسازی کنند.

شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به عنوان یک سازمان تشکل‌یافته در سراسر کشور، در بسیج پایگاه رأی آقای روحانی چه کارهایی انجام داد؟

اصلاح‌طلبان با مقوله و پروژه انتخابات بسیار آشنا هستند. آنها چندین بار انتخابات برگزار کرده‌اند و طبیعتا نقش خود را به‌طور طبیعی بلد هستند. بیش از نیمی از جمعیت امروز به تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای دسترسی دارند. شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به خوبی در اختیار اصلاح‌طلبان است. بالاخره اصلاح‌طلبان و هواداران دولت و اصولگرایان هوادار دولت در انتخابات ۹۶ با یک نامزد واحد با نمره قبولی به میدان آمدند و طبیعی است که این تجمیع می‌توانست فضاسازی خوبی برای رأی‌آوری آقای روحانی و البته بعد از آن برای دولت دوازدهم ترتیب دهد. تلویزیون، رسانه اصلی افکار عمومی جامعه به خصوص در ایام انتخابات است و در روزهای تبلیغات ابزار خوبی بود که دکتر روحانی و دکتر جهانگیری سعی کردند از آن استفاده کنند. ضمن اینکه رسانه‌های مکتوب متعددی در حمایت از دولت آقای روحانی وجود دارد. در عرصه شبکه‌های مجازی نیز هواداران آقای روحانی دست بالا را دارند و این در انتخابات با پاسخ مثبت مردم مواجه شد.

انتخابات کاملا دوقطبی بود؟

انتخابات ریاست‌جمهوری پس از انقلاب غالبا دوقطبی بوده است. هر قدر هم که نامزد انتخاباتی به عرصه بیاید، دو گفتمان و دو پارادایم تاریخی جمهوری اسلامی با نام اصولگرایی و اصلاح‌طلبی با هم رقابت می‌کنند. البته به دلیل عملکرد آقای احمدی‌نژاد بخش درخورتوجهی از جامعه سنتی اصولگرا امروز در کنار آقای روحانی قرار گرفته‌اند. جریان رادیکال اصولگرا که گفتمان انقلاب و مدیریت جهانی را تولید کرد و احمدی‌نژاد را پدید آورد، رقیب آقای روحانی محسوب می‌شود اما در این انتخابات هم باید می‌دانستند سبد رأی محدودی دارند. مشخص بود که انتخابات دوقطبی خواهد بود و حالت دیگری را نمی‌توان متصور بود. دلیلش نیز ماهیت جامعه مدنی کشور و واقعیت‌های تاریخی است. اساسا اگر این اتفاق صورت نگیرد، انتخابات شور خاصی نخواهد داشت. بنابراین اگر انتخابات پرمشارکتی را طلب می‌کنیم باید خود را برای دوقطبی‌شدن فضای انتخاباتی آماده کنیم.

عملکرد دو نامزد اصلاح‌طلبان یعنی دکتر روحانی و دکتر جهانگیری را در مناظره‌ها و البته سخنرانی‌ها چگونه دیدید؟

تأکید ما این بود که روحانی و جهانگیری در مناظره‌ها روی سه محور بیان دستاوردهای دولت، شفاف‌سازی وضعیتی که دولت را تحویل گرفتند و بیان نقاط ضعف و ناکارآمدی‌های خود متمرکز شوند و البته حالت تدافعی به خود نگیرند.آقای جهانگیری نقش حمایتی خود را به خوبی ایفا کرد. می‌دانستیم به جز کنشگران سیاسی که از قبل می‌دانند به چه کسی رأی دهند، رأی توده مردم در این مناظره‌ها سمت و سو پیدا می‌کند؛ بنابراین جامعه یک مناظره امیدبخش، توأم با اخلاق و همبستگی‌آموز را طلب می‌کند که به نظرم مناظره اول این خصوصیت را نداشت اما مناظره‌های دوم و سوم فضا را تا حد زیادی عوض کرد. تلاش این بود که دستاوردهای دولت یازدهم به صورت آماری و دسته‌بندی‌شده و شفاف برای مردم بیان شود.. گفتیم دولت یازدهم باید مختصات آوار و ویرانه‌ای را که چهار سال پیش از دولت قبل تحویل گرفته‌اند، به خوبی برای مردم تبیین کند یعنی بخشی از وقت خود را به این اختصاص دهند که بعد از دولت نهم و دهم در این چهار سال بر جامعه چه گذشته است. خوشبختانه بخش عمده‌ای از این مسائل با مردم در میان گذاشته شد. من جزء کسانی بودم که از اول با نامزد پوششی موافق نبودم اما به هر صورت آقای جهانگیری ثبت‌نام کرد و در مناظره‌ها مسلط و متفاوت ظاهر شد. این عملکرد، موقعیت او را بالا برد. اما آقای جهانگیری می‌دانست باید خیلی هوشمندانه عمل کند چراکه تکلیف او سنگین‌تر از روحانی است.

رقبای روحانی یعنی قالیباف و رئیسی چقدر در خیزش رأی مردم به ضرر خود تأثیر داشتند؟

آقای قالیباف خیلی شبیه ترامپ صحبت می‌کرد و به نظر الگوی ایشان یک الگوی کاملا آمریکایی بود که چندان اساسی در جامعه ما ندارد اما اگر هم مبنایی داشته باشد، خود آقای قالیباف و عملکرد او در شهرداری و... نشان می‌دهد که او هم جزء چهار درصد قرار می‌گیرد؛ ضمن اینکه من اساسا این تقسیم‌بندی را قبول ندارم و این امر صرفا یک ترفند تبلیغاتی بود. قالیباف با این ترفند می‌خواست یک فضای دوقطبی را بین جامعه فقیر و غنی شکل دهد و خود را نماینده ۹۶ درصد معرفی کند. درحالی‌که این فاصله در جامعه ما در دوره احمدی‌نژاد و با ازبین‌رفتن طبقه متوسط به وجود آمد و از طرفی قالیباف با سابقه و شخصیتی که دارد، نمی‌تواند نماینده این قشر باشد. رئیسی هم بعد از مناظره دوم و البته در یک هفته پایانی تلاش کرد همچنان روی شکاف‌های اقتصادی جامعه ایران سوار شود و تحرکات دیگری هم در این حوزه صورت داد اما مشخص بود اکثریت جامعه با این نوع ترفندها، فریب نخواهند خورد.

جریان اصلاحات همانند چهار سال قبل حمایت از حسن روحانی را در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم در دستور کار قرار داد و بر عهد خود نیز پایدار ماند. درست برخلاف اصولگرایان که در روزهای داغ انتخاباتی هر روز خبر تازه‌ای از شکل و شمایل ائتلاف‌شان به گوش می‌رسید و گزینه‌های متعددی از این جریان سیاسی راهی وزارت کشور شدند تا در انتخابات ثبت‌نام کنند

با وجود شکستی که اصولگرایان در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری خوردند، فرصتی پیدا کردند تا افکار مخاطبان را نسبت به جریان سیاسی متبوع خود بازسازی کنند. بخشی از این مخاطبان از جبهه اصولگرایان رادیکال ریزش کرده‌اند. آنها تلاش می‌کنند این بخش را برای انتخابات مجلس یازدهم و ۱۴۰۰ ریاست‌جمهوری بازسازی کنند

ادامه از صفحه ۱۰

مهار تخلفات اداری؛ خواسته مردم از روحانی

به‌عنوان یک نمونه از این قراردادهای خسران‌آور، می‌توان به مشارکت شرکت «ت.ع.ب» با فردی که دارای ده‌ها پرونده قضائی است، به‌عنوان سازنده، در احداث یک برج‌باغ در خیابان پاسداران در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. فردای روز انعقاد قرارداد مشارکت، تمامی سهم سازنده پیش‌خرید می‌شود!!! و بدیهی است که این فرد معلوم‌الحال در فقدان اخذ تضمین‌های لازم، نه پروژه را تکمیل می‌کند و نه پولی را برمی‌گرداند.

اعلام رضایت در پرونده کیفری آقای «ح.ج» مدیرعامل اسبق شرکت «ب.ص.ب.ا» که دارای تخلفات عدیده‌ای بود و به اتهام خیانت در امانت و تحصیل مال از طریق نامشروع تحت پیگرد قرار داشت و قرار قضائی در شرف صدور بود، با زدوبندهای مدیریت جدید سهام‌دار عمده آن (شرکت س.ص.ب)، از دیگر نمونه‌های بارز فساد در شرکت‌های این مجموعه است.

لازم به توضیح است که آقای «ح.ج» پس از برکناری از مدیریت عامل شرکت «ب.ص.ب.ا» از سال ۹۳ با این‌همه سوابق درخشان! به سمت مدیرعاملی شرکت «ب.ج.د.ص» زیرمجموعه شرکت «ص.ب.ک» و نیز عضو هیئت‌مدیره شرکت کارگزاری یک بانک دولتی منصوب شد که هر دو آنها وابسته به یک وزارتخانه هستند! شرکت جدیدی که ایشان به مدیرعاملی آن برگزیده شد، شرکتی بسیار بزرگ‌تر از شرکت قبلی بود که فعالیت عمده آن واردات گوشت قرمز و فراورده‌های دامی است. جای تعجب نیست که تحت مدیریت درخشان نامبرده، این شرکت نیز به سرعت ورشکسته شد و تعداد پرسنل آن از حدود ۳۰ نفر به چند نفر تعدیل یافت. ماجرای واردات شیرخشک از کشور بلاروس یکی از شاهکارهای مدیریتی ایشان است که زیان هنگفتی به بار آورد و به قرار اطلاع استئنائا تحت رسیدگی جدی از سوی یکی از دستگاه‌های نظارتی قرار دارد. جالب اینکه بدهکاران خوش‌حسابی که تحت مدیرعاملی ایشان در شرکت «ب.ص.ب.ا» سرمایه این شرکت را به یغما بردند، با شرکت جدید ایشان نیز معامله داشتند و همین‌گونه رفتار کردند که نشانه بارزی در باندی‌عمل‌کردن ایشان است.

فروش آپارتمان‌های پروژه‌های ساخته‌شده به اقوام، دوستان و مقامات دولتی به ثمن بخس با شرایط سهل (مجتمع مسکونی منطقه ۲۲، مجتمع مسکونی آجودانیه، شهرک مسکونی رامسر و...)، هزینه‌کرد میلیاردها تومان بدون هیچ‌گونه مستندات، قراردادهای کلان با اشخاص خاص به‌عنوان کارگزار فروش و پرداخت حق‌الزحمه مربوطه بدون دریافت هیچ‌گونه خدماتی، برداشت حقوق‌های کلان از سوی اعضای هیئت‌مدیره در پوشش اضافه‌کاری و پاداش، پرداخت حقوق کلان رأسا به وسیله عضو حقوقی هیئت‌مدیره به نماینده حقیقی خود در شرکت دیگر به‌عنوان عضو موظف به حساب آن شرکت درحالی‌که این عضو غیرموظف نه دارای پست سازمانی است و نه اصولا کاری برای آن شرکت انجام می‌دهد و... گوشه‌ای دیگر از اعمال مدیریت سالم در این شرکت‌هاست!

آنچه در این مقال کوتاه آمد، نمونه کوچکی است از خیل تخلف‌های شرکت‌های شبه‌دولتی که مانند زنگاری چرخ‌دنده‌های نظام اقتصادی کشور را می‌ساید. آیا با چنین ساختاری می‌توان انتظار داشت شعارهای سال «اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال» تحقق یابد؟ حال آقای دکتر روحانی با حماسه‌آفرینی مجدد مردم برای چهار سال دیگر ردای ریاست‌جمهوری را بر تن خواهد کرد، یکی از خواسته‌های جدی مردم این است که ایشان خصوصی‌سازی واقعی را سرلوحه برنامه‌های دولت دوازدهم قرار داده و در مقابل سهم‌خواهی‌های کانون‌های دارای نفوذ بیش از پیش بایستد و گریبان شرکت‌های شبه‌دولتی را از دست مدیریت ناکارآمد و بعضا باندی خارج کند و خوان گسترده شرکت‌های خصولتی تودرتو را برچیند.

پژواک

انتخابات و نام نیک بزرگان

ضیاء مصباح

۲۹ اردیبهشت انتخابات دوگانه کشورمان با همه «اما و اگر»ها و «کم و کیف» افشاکننده نابسامانی‌هایی که سال‌ها بر آن تأکید داشتیم و داریم و با همه حساسیت‌های داخلی و منطقه‌ای، با آرامش تمام برگزار شد که بدون اغراق حاصل دوراندیشی و عقلانیت ملت بزرگ ایران به شمار می‌رود.

در این مصاف «بسیار پر آب چشم»، روحانی با کارنامه و «عملکرد نسبی معقولانه» منبعث از توجه به حفظ و تقدم منافع ملی و آینده‌نگری همراه با سخنان و موضع‌گیری‌های شجاعانه در مناظره‌ها، پیروز این میدان شد.

کارشکنی‌های توأم با شیطنت‌های متداول بعضی از افراد باهوش منفی، عافیت‌طلب، رند، زیرک، رانت‌بگیر و پیوسته سهم‌خواه، در پوشش فعالان «مخالف دولت کنونی» فراموش‌شدنی نخواهد بود.

روحانی با مقاومت، صبوری، تأمل و صداقت نسبی، با حمایت بسیار مؤثر وطن‌دوستان درون کشور (که راحت‌ترین و مدرن‌ترین وسیله اظهارنظر یعنی صندوق رأی را برگزیده‌اند)، با «همه محدودیت‌ها» با به‌کارگیری عقلای مام میهن، توانست بالاخره اعتماد اکثریت نسبی ایرانیان را به دست آورد.

جامعه حاضر و ناظر در صحنه، چهار سال آینده در انتظار تحقق خواسته‌های «جوانان» میلیونی آرام، عاقل، متفکر و دوراندیش، «اصلاح‌طلبان»، همراهان و «مدافعان ملی»، به وسیله کابینه‌ای عالم، متخصص و جوان‌تر، با کوشش در مسیر زدودن آثار «سلطه شعار» و از همه مهم‌تر «بهبود روابط بین‌المللی» و توجه به «منزلت ایران و ایرانی»، «تقویت ارزش پول ملی» و اجرای «بندهای مغفول‌مانده همین قانون اساسی» و مراجعه به «همه‌پرسی در صورت ضرورت» با همه «اما و اگرها» از سوی دیگر، ممانعت از «ایجاد تنش در روابط منطقه به هر شکل و صورت» اجرای برنامه‌های اصولی و علمی برای «بهبود معیشت نیازمندان» جلوگیری از ادامه تشنج در منطقه و... خواهند ماند.

این روز مصادف و هم‌زمان بود با «صدوسی‌وپنجمین سالروز تولد بزرگ‌مرد تاریخ معاصر ایران، شادروان دکتر محمد مصدق» که از هرگونه پیرایه‌ای مصون و محفوظ مانده و علاقه‌مندان و منقادان ایشان همگی معترف به «سلامت عمل، گفتار، پندار و کردار نیک» او هستند.

مراد مطلب، طرح و به‌رخ‌کشیدن قصور آگاهانه و عمدی نشریات و تریبون‌های دگراندیش داخلی و نپرداختن به «شجاعت، درستکاری و همت» این بزرگ‌مرد در سالگرد زایش اوست که چنین انتظاری نمی‌رفت. به بیان دیگر نباید در هیجانات انتخابات، این مهم را به فراموشی سپرد تا دلخوری علاقه‌مندان به اندیشمند وارسته‌ای را در سالروز تولد اثرگذار او به بار آورد.

ناگفته نماند نگارنده همه کوشش خود را در این مسیر و با تأکید بر «تقارن تولد دکتر مصدق با روز انتخابات پرچالش و به‌یادماندنی اخیر» به کار گرفت و طرح «بی‌خبری یا قصور سهوی» مسموع نیست؛ همچنان‌که تریبون‌های فرامرزی فراتر از امکانات نقش مؤثر و قابل تقدیسی مبذول داشتند.

یادآوری این نکته برای آگاهی نسل جوان کشورمان در ارتباط با «شناخت چهره‌های ملی بدون پیرایه و مبرا از هرگونه خودمحوری»، می‌تواند الگویی از «سلامت عمل و اعتقاد راستین به منافع ملی» را تقویت کرده و آنچه را در «تاریخ معاصر به‌عنوان نمونه» داشته و داریم، عرضه کند. هر کدام از «منتخبان واقعی مردم» براساس «وظیفه تقبل مسئولیت همراه با پاسخ‌گویی» می‌توانند در این راه گام بردارند و به تاریخ بپیوندند و آیندگان از آنان به خوبی و به مناسبت‌ها یاد کنند و از آن مهم‌تر به «معیارها و ارزش‌ها» از منظری دیگر و «فراتر از منافع فردی و گروهی» بنگرند.

در برگه تبلیغات انتخاباتی یکی از داوطلبان ورود به شورای شهر تهران که «مزین به عکس شادروان مصدق» بود، آمده بود: حیف از شورا و عملکرد او که تاکنون نخواسته یا نتوانسته‌اند خیابانی را به نام این ابرمرد نام‌گذاری کنند. این که یکی از اهداف این نامزد در صورت ورود به شورا این بود و در نوع خود قابل تقدیس... که «البته مصدق بی‌نیاز به آن است». می‌دانیم این اقدام بایسته، با همت شورای شهر با شرایط و معیارها، شدنی نیست؛ چنان‌که اختیارات و امکانات رئیس‌جمهور در امور دیگر که باید در برنامه‌ها دیده شود تا نگاه‌های اشتباه چند دهه اخیر را دگرگون کند، نیز کامل نیست.

البته با اصلاح عملکرد مجموعه دولتمردان در دوره دوم ریاست‌جمهوری دکتر روحانی که با پشتوانه قوی آحاد جامعه و «تشویق به طرح سؤال و ضرورت و الزام به پاسخ‌گویی» صورت گرفت، این امیدواری در عقلای قوم و مردم برای «تجدید روش‌ها و جلوگیری از انحصارطلبی‌ها» شکل گرفته است.

امکان تجدیدنظر در عملکردها به وسیله دولتمردان و اعضای شورای شهر در این شرایط و آن‌هم از آغاز، ضرورتی تام و تمام دارد که در آن حالت، امید می‌رود در مناسبت‌های ملی با چنین بی‌مهری‌ها و قصورهای عمدی مواجه نباشیم و موانع کاهش یابد و بزرگداشت‌ها و ستایش‌ها از «حالت جناحی» خارج شود و راه اعتدال در پیش گیرند.
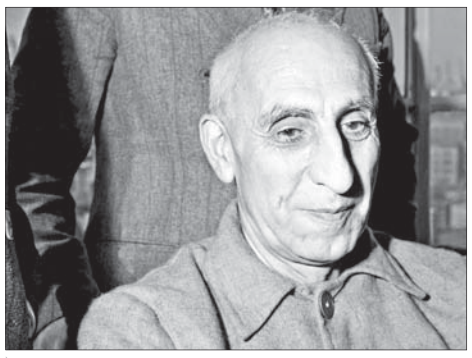
اینکه در میان این همه نارسایی‌ها، مشکلات، کمبودها، سوءمدیریت‌ها و... به چه دلایلی به موضوع مزبور اشاره شده، باید گفت: طرح، عنوان و ستایش افرادی که به تاریخ پیوسته‌اند و «بزرگداشت بحق و منصفانه آنان»، ضمن «ممانعت و پرهیز از فراموش‌شدن‌شان» با ابزار اطلاع‌رسانی «انبوه، مدرن و فراگیر» و الگو قراردادن‌شان در آغاز کار دولت دوازدهم و شورای پنجم، حرکت و برکتی را همراه می‌آورد. از آن مهم‌تر، ابعاد معنوی و تأکید بر آن در این دنیای مادی و خودمحور، به یقین انگیزه خدمت را فراهم‌تر می‌کند و فرهنگ جامعه را از سقوط می‌رهاند.